

# SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری STES



فیلم های آموزشی

## کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی

دوره ترمین

کارگاه آنلاین  
بررسی مقابله ای متون (مقدماتی)

دوره ترمین

کارگاه آنلاین  
پروپوزال نویسی و پایان نامه نویسی

دوره ترمین

کارگاه آنلاین آشنایی با پایگاه های اطلاعات علمی بین المللی و ترند های جستجو

## پایداری، توسعه پایدار و برنامه ریزی شهری

صغرا ذوالفقاری گرجکلانی، بهزاد امیری نژاد آشورآبادی

دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده معماری و شهرسازی

دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده معماری و شهرسازی

آدرس الکترونیکی: zolfaghari\_sbu@yahoo.com

آدرس الکترونیکی: Behzadamiri\_amlash@yahoo.com

### چکیده

مفهوم توسعه پایدار که با کنفرانس سران ریو در سال ۱۹۹۲، به منظور مقابله با افزایش بیش از پیش توان تاثیر انسان بر محیط زیست و رشد بی سابقه جمعیت در قرن حاضر و توسعه شهرها، در سرتاسر جهان گسترش یافت، از جمله نظریه ها و سیاست های اخیر می باشد که بخش عمده ای از ادبیات برنامه ریزی شهری را به خود اختصاص داده است. افزایش سطح شهرها و رشد شهرنشینی و بروز مسائل در رابطه با عدم کفایت و تناسب برنامه ریزی ها، که منجر به بحران های زیست محیطی در مقیاس وسیع شده است، لزوم نگرش های خاص را بر مقوله توسعه مطرح کرده است و از آن جمله موضوع توسعه پایدار است. در این مقاله ابتدا به معرفی مفهوم توسعه پایدار پرداخته شده است برای این منظور تعاریف پایه و چارچوب های موردنظر توسعه پایدار معرفی شده اند. در ادامه کاربرد مفهوم توسعه پایدار در برنامه ریزی و با تاکید بر برنامه ریزی شهری، معیارهای برنامه ریزی فضایی پایدار و فرایندهای برنامه ریزی برای توسعه پایدار مورد بررسی قرار گرفته است و در پایان نقشی که برنامه ریزان شهری در ارتقای توسعه پایدار می توانند داشته باشند به صورت پیشنهادی عنوان شده است.

**کلمات کلیدی:** پایداری، توسعه پایدار، برنامه ریزی شهری، برنامه ریزی فضایی پایدار

## ۱- کلیات پژوهش

### ۱-۱- بیان مساله

نابرابری های اقتصادی، بی ثباتی اجتماعی و تنزل مرتبه محیطی، پیامدهای دیدگاه سرمایه داری می باشند که هدف در حداکثرسازی استفاده از منابع برای رسیدن به مقصودهای اقتصادی خود دارد. این دیدگاه از اوایل دهه ۱۹۷۰ مورد تردید و انتقاد واقع شد. در طی چند دهه، توسعه پایدار به واسطه یک سری از کنفرانس های متعدد محیطی و سیاست شهری، به طور گسترده ای مورد پذیرش سیاسی قرار گرفته است. این کنفرانس ها از کنفرانس سازمان ملل به نام محیط انسانی<sup>۱</sup> در سال ۱۹۷۲ میلادی آغاز شد و به ایجاد کمیته جهانی محیط زیست و توسعه (کمیته براندت لند) در سال ۱۹۸۷ انجامید. پس از آن کنفرانس سازمان ملل در ریودوژانیرو به نام محیط زیست و توسعه در سال ۱۹۹۲ بود، که دستور کار ۲۱ را با تاکید بر مدیریت پایدار کاربرد زمین و نیاز به تصمیم سازی محلی پایه گذاری کرد و سپس کنفرانس ژوهانسبورگ<sup>۳</sup> در سال ۲۰۰۲ تشکیل شد. تصور از توسعه پایدار بیشتر بر طبق تعریف گزارش کمیته براندت لند به نام "آینده مشترک ما" است: شکل هایی از توسعه که "نیازهای کنونی را بدون به خطر انداختن توانایی نسل های آینده برای برآورده کردن نیازهایشان، برآورده می کند".

توسعه پایدار باید به تعادلی عادلانه تر میان نیازهای انسان و نیازهای طبیعت برسد، اقتصادهای محلی می توانند به گروههای اجتماعی مختلف منفعت برسانند و کیفیت زندگی بالاتری پدید آورند در حالیکه از سرمایه طبیعی نمی کاهند.

### ۱-۲- هدف پژوهش

با توجه به این موضوع که جهان امروزه در شماری از روندهای نزولی اعم از نابرابری های اقتصادی، بی ثباتی اجتماعی و تنزل مرتبه محیطی گرفتار آمده است، نظریه توسعه پایدار که سعی در پایداری سطح بالای رشد اقتصادی و اشتغال، پیشرفت اجتماعی با شناخت نیازهای افراد، محافظت موثر از محیط زیست و استفاده خردمندانه از منابع طبیعی دارد، از اهمیت بسزایی برخوردار است. در همین راستا، هدف از نگارش این مقاله، بررسی نظریه توسعه پایدار و مناظره های مرتبط با آن به منظور ارتقای سطح دانش مخاطبان آن می باشد.

## ۲- مبانی نظری

### ۲-۱- مبدا انگاشت توسعه پایدار

بسیاری از ایده هایی که امروزه در انگاشت توسعه پایدار وجود دارند از دیرباز وجود داشته اند، یعنی از زمان کار مالتوس روی رشد جمعیت در اواخر قرن هفدهم. اما انگاشت توسعه پایدار به طور شفاف در اوایل دهه ۱۹۷۰، به دنبال تعدادی آثار منتشر شده که توجه را به سوی بهره برداری بیش از حد بشر از منابع جلب می کرد

<sup>1</sup> -Human Environment

<sup>2</sup> -AGENDA 21

<sup>3</sup> -Johannesburg Summit

و بر توسعه اقتصادی و نگرانی های رو به رشد جهانی درباره اهداف توسعه و قیود محیطی و بررسی پیوندهای پیچیده میان محیط و توسعه تمرکز داشت، پدید آمد (دلال، ۲۰۰۰، ص ۱).

جدول زیر تحول تاریخی شکل گیری نظریه توسعه پایدار را نشان می دهد.

جدول شماره ۱: تحول تاریخی شکل گیری نظریه توسعه پایدار، تنظیم: نگارنده

سال	تحول تاریخی شکل گیری انگاره توسعه پایدار
۱۹۶۰	شکل گیری نگرش های فکری پیرامون اهمیت کیفیت محیط زیست در برابر رشد اقتصادی
۱۹۷۱	اجلاس فونکس و طرح مساله حمايت و بهبود محیط زیست به عنوان نیاز آتی
۱۹۷۲	کنفرانس محیط زیست استکهلم و تاکید بر استفاده از ملاحظات زیست محیطی در برنامه های توسعه
۱۹۷۸	کنفرانس برانتلند و تلاش برای دستیابی به یک نظام همکاری مشترک جهت کسب منافع عمومی تحت عنوان آینده مشترک ما
۱۹۹۲	کنفرانس ریو و تنظیم دستور کار ۲۱ با هدف تلفیق اهداف توسعه و حفظ محیط زیست
حال حاضر	کاربست اصول و چارچوب های طرح شده در این پارادایم در موضوعات مختلف

## ۲-۲- انگاشت توسعه پایدار

به نظر می رسد بیانیه ای که از راهبرد حفاظت جهانی آمده است نخستین تلاش برای تعریف توسعه پایدار باشد:

"برای اینکه توسعه، پایدار باشد باید افزون بر عوامل اقتصادی، عوامل اجتماعی و بوم شناختی نیز در شمار آورده شود: مزایا و زیان های بلند مدت و کوتاه مدت عمل "

راهبرد حفاظت جهانی به دلیل نگرانی های اصلی آن با توسعه بوم شناختی به جای توسعه پایدار مورد انتقاد قرار گرفت. همگانی ترین تعریف در سال ۱۹۸۷ توسط کمیته جهانی محیط زیست و توسعه<sup>۴</sup> که به کمیته براندت لند مشهور است، ارائه شده است:

"توسعه اقتصادی و اجتماعی که نیازهای نسل کنونی را بدون تضعیف توانایی نسل آینده برای ارضای نیازهایشان، برآورده می کند." (همان: ۱).

در پی انتشار گزارش براندت لند ارایه تعریف های پیشنهادی از توسعه پایدار زیاد شد. به طور کلی اکثر تعریف ها شامل دو جز هستند: معنای توسعه (یعنی اهداف کلان توسعه: رشد اقتصادی، نیازهای پایه ای، حق ها و جز آن) و شرایط ضروری برای پایداری. گزارش کمیته براندت لند یکی از فصل های خود را (کمیته براندت لند، ۱۹۸۷، فصل ۲) به توصیف و بحث در مورد انگاشت توسعه پایدار اختصاص می دهد که در آن کمیته تاکید می کند که توسعه پایدار نخست و پیش از هر چیز در مورد تضمین این است که هر کس - هم در کشورهای

<sup>4</sup> -WCED

فقیر و هم در کشورهای ثروتمند، و نسل های امروز و آینده- می تواند نیازهای پایه ای خود را برآورده کند که این هدف باید بدون به مخاطره انداختن سیستم های طبیعی که زندگی بر روی زمین به آنها وابسته است، بدست آید. بنابراین برآورده کردن نیازهای حیاتی، عنصری کلیدی از توسعه پایدار است. اما برداشت از نیازها به خودی خود انگاشتی پیچیده و پر تفصیل است. کمیته براندت لند، غذا، آب، پوشاک، سرپناه، کار، انرژی و بهداشت را به عنوان نمونه هایی از آنچه که به عنوان "نیازهای پایه" می داند، ذکر می کند (۱۹۸۷، صفحه ۴۴).

برآورده کردن نیازهای پایه برای هرکس تحت قیودی که توسط ظرفیت تحمل بوم شناختی زمین، نهاده شده است، دو مفهوم ضمنی مهم دارد. نخست، به منظور تامین امکانات برای نسل های آینده برای برآورده کردن نیازهایشان، انسان های کنونی باید دست اندازی خود به محیط طبیعی و مصرف منابع طبیعی تجدید ناپذیر خود را محدود کنند. دوم اینکه اگر قرار باشد بار محیطی وارد بر سیاره به عنوان یک کل، در حدود پایدار نگه داشته شود، مصرف فزاینده مواد در کشورهای در حال توسعه که می تواند برای برآوردن نیازهای پایه تهیدستان ضروری باشد، باید با کاهش سطوح مصرف مواد در کشورهای صنعتی همراه باشد (هاولموو هسن، به نقل از نس، ۲۰۰۰:۳).

کمیته براندت لند نتیجه گیری می کند که توسعه پایدار به سیستم سیاستی نیاز دارد که بتواند برای شهروندان، [امکان] تاثیرگذاری واقعی بر تصمیم ها را تامین کند. گزارش، بر پشتیبانی از ابتکارات عامه مردم و دادن قدرت بیشتر به سازمان های غیر دولتی و تقویت دموکراسی محلی تاکید می کند. این توصیه ها در سند دستور کار ۲۱ کنفرانس ریودوژانیرو در سال ۱۹۹۲ (جایی که مراجع محلی به شروع فرایندهایی تشویق می شوند که در آنها جوانان، زنان و کارآفرینان در کار محلی برای ارتقای توسعه پایدار، در بر گرفته می شوند) تکرار شده است (نس، ۲۰۰۰:۳).

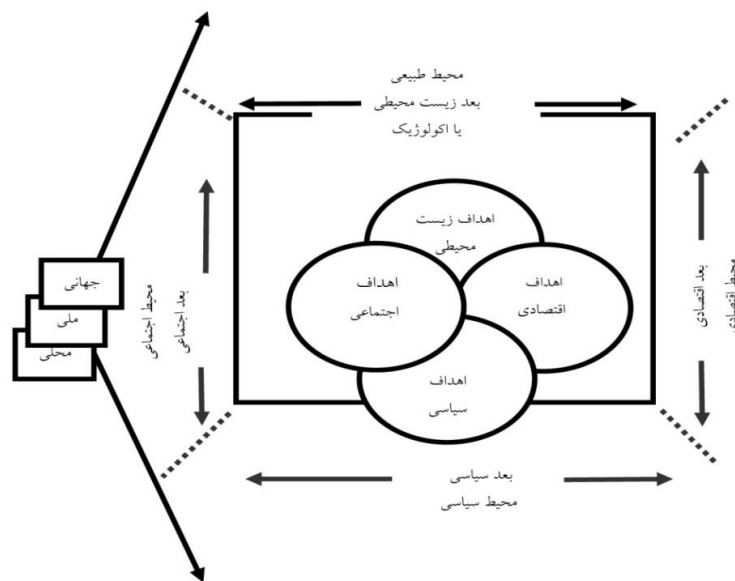
### ۳-۲- تبیین و ترسیم چارچوب توسعه پایدار: محیط، ابعاد و اهداف

توسعه پایدار به استناد تعاریف مذکور فرایندی است که اهداف اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی جامعه را در هر جا که ممکن است از طریق وضع سیاست ها، انجام اقدامات لازم و عملیات حمایتی با هم تلفیق می کند و در هر جا که تلفیق امکان ندارد به ایجاد رابطه مبادله میان آنها، بررسی و هماهنگی این مبادله ها می پردازد. براساس این تعریف سه دسته هدف (اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی) و بر مبنای آنها سه محیط و سه بعد اصلی وجود دارد که عبارتند از محیط های اقتصادی، اجتماعی و طبیعی و ابعاد اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی (ماخذ: زاهدی و نجفی، ۲۰۱۳:۲۰).

اما ایجاد تعادل و انجام تلفیق بین اهداف اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی مستلزم داشتن چشم انداز بلندمدت تر، بررسی و تعیین تأثیرات تصمیم های فعلی روی نسل های آتی، وضع قوانین، مقررات، همکاریهای ضروری محلی، ملی، منطقه ای و جهانی، عقد قرار دادها و پیوستن به پیمان ها، کنوانسیون ها و پروتکل ها و بالاخره ترتیبات نهادی و مدیریتی و ... می باشد و این خود محیط و بعد اصلی بعدی را مشخص می کند که

همان محیط سیاسی و بعد سیاسی است. به همین دلیل در این مقاله برای توسعه پایدار چهار محیط و چهار بعد ترسیم شده است. همچنین دستیابی به این موضوعات، ایجاد ساختارهای هدایتی و حمایتی و تثبیت آنها مستلزم وضع اهداف خاص سیاسی است. شاید به همین دلیل است که امروزه زمامداری خوب به عنوان یک مقوله پذیرفته شده در بحث توسعه پایدار مطرح می شود و مستلزم همکاری دولت، بخش خصوصی و نهادهای مدنی و مردم در جهت توسعه کشور است (همان: ۲۱). شکل زیر اهداف، ابعاد و محیط های اصلی توسعه پایدار را نشان می دهد.

شکل شماره ۱- اهداف، ابعاد و محیط های اصلی توسعه پایدار



#### ۴-۲- اصول توسعه پایدار

با توجه به تعاریف و بحث های ارائه شده، بنیادهای اصلی توسعه پایدار را می توان به شرح زیر عنوان کرد که دستیابی به توسعه پایدار مستلزم توجه و رعایت آنها است.

- کنار گذاشتن تصور قدر قدرتی انسان: تصور قدر قدرتی انسان از اینجا پیدا شد که انسان در مسیر پیشرفت تمدن و فناوری به چنان توانمندی فنی دست یافت که نه تنها خروج از آشیان بوم شناختی برای او ممکن شد بلکه تصور کرد که مالک و قادر محیط خود است و هر کاری را می تواند انجام دهد. پیامد چنین تصویری نادیده گرفتن ظرفیت نگهداشت و تحمل نظام های بوم شناختی از یکسو و نادیده گرفتن این واقعیت از دیگر سو است که انسان یک ارگانیسم از مجموعه ارگانیسم های محیط طبیعی است و نه بیشتر و باید روابط معقول و متعادلی با دیگر موجودات نظام هستی کره زمین داشته باشد (زاهدی و نجفی، ۱۳۸۴: ۹).
- اکوسیستم بسیار مهمتر از درک و تصور کنونی است: کیفیت و کارکردهای اکوسیستم ها و خدماتی که اکوسیستم ها و محیط طبیعی ارائه می دهند، به مراتب مهمتر از آن چیزی است که در برنامه ریزی

توسعه و در تصور عمومی وجود دارد و بیان آنها در قالب اصطلاحات و واژه های اقتصادی ممکن نیست.

- عدالت و برابری: دربرگیرنده برابری درون نسلی، برابری درون کشوری، برابری جنسیتی، برابری بین کشورها، و برابری بین نسلها است.
- آشتی توسعه و پایداری: فلسفه اصلی توسعه پایدار آشتی بین توسعه و پایداری از طریق دقت و توجه کافی به همه اهداف از دیدی سیستمی و کل گرایانه است. به بیان دیگر در حالی که بسیاری از سیاست های توسعه در گذشته براساس نظریه رشد بود، توسعه پایدار رشد را یک عامل اقتصادی می داند و بر پایداری اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و طبیعی یا زیست محیطی تأکید می کند.
- مشارکت و وفاق: مشارکت گسترده در تصمیم گیری یکی از پیش نیازهای توسعه پایدار است و موجب مشروع بودن تصمیم ها، برنامه ها و پشتیبانی در اجرای آنها می شود. مشارکت به نوبه خود یک هدف است و اصل اساسی برابری را برآورده می سازد و می تواند سبب وفاق در مورد آرمان بلند مدت و حرکت به سوی پایداری شود.
- مردم محوری: محور بودن انسان ها یک اصل اساسی است که با الگوواره پایداری و فلسفه آن و نیز با اصل مشارکت و وفاق همخوان است (کرک پاتریک، به نقل از زاهدی و نجفی، ۱۳۸۴: ۱۰).
- برنامه جامع، چرخه ای و تلفیقی: فعالیتها و برنامه های توسعه پایدار باید با گسترش مداوم همه موارد را در بر گرفته و یک نظام تلفیقی مناسب از همه فعالیت های مرتبط، ضروری و نیز فعالیت های کوتاه مدت تا بلند مدت را بوجود آورد. یک مبحث مهم دیگر در برنامه ریزی توسعه پایدار قبول مفهوم چرخه ای در برنامه ریزی است. این به آن معنا است که کار برنامه ریزی یکباره به پایان نمی رسد پس هیچ ضرورتی برای در نظر گرفتن همه موارد ضروری از آغاز نیست و می توان از ساده و کم شروع کرد تا در چرخه های بعدی تکمیل شود.
- دیدی سیستمی و کل گرایانه: توسعه پایدار با نگرش های تک بعدی یا تک عاملی همخوان نیست و به لحاظ تلفیق اهداف مختلف اجتماعی، اقتصادی، زیست محیطی، و سیاسی توجه ای کل گرایانه دارد و در بررسی پایداری درونی و بیرونی سیستم از دید سیستمی استفاده می کند.
- ساخت بر روی آنچه که وجود دارد: دلیلی وجود ندارد که همه چیز از ابتدا شروع شود. خاصیت چرخه ای برنامه ریزی توسعه پایدار این است که می توان از یک پایه موجود (مثل یک برنامه در حال اجرا) شروع کرد و در طی چرخه ها آنها را کامل کرد.
- انعطاف پذیری: انعطاف پذیری، قدرت و ظرفیت یک نظام در حفظ موجودیت خود در مقابل اختلالات و تغییرات بیرونی است. این تغییرات که ممکن است اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی یا سیاسی باشد، دو نوع اثر متفاوت دارند: فشار و ضربه یا شوک. سیستم در صورتی پایدار است که علی رغم وارد آمدن فشار و ضربه یا شوک، توانایی حفظ وضعیت خود را داشته باشد. فشار به آثار کم، جزئی اما پیوسته اشاره دارد که آثار تراکمی آن می تواند زیاد باشد، مانند کاهش تقاضای بازار برای محصول؛ در

حالی که ضربه یک عامل قابل توجه اما گذرا است مثل خشکسالی (محسن تشکری، به نقل از زاهدی و نجفی، ۱۳۸۴: ۱۰).

- استفاده عاقلانه از منابع: به معنای استفاده از منابع تجدید پذیر در حد تجدید پذیری و رعایت کارایی در مصرف منابع تجدیدناپذیر است. کارایی مصرف منابع نیز به معنای افزایش میزان تولید به ازای واحد مصرف منابع، کاهش هزینه، کاهش مصرف و باقی گذاشتن مقدار بیشتری از منابع برای نسل های آینده و آلودگی و پسماند کمتر است.
- اندیشه جهانی و عمل محلی: جهانی بیندیش و محلی عمل کن، شعار اصلی توسعه پایدار است و توسعه پایدار جز با توجه واقعی و کافی به مشکلات محلی و حل آن از طریق مشارکت ذینفع ها از یکسو و همکاری های بین المللی از دیگرسو، به دست نمی آید (زاهدی و نجفی، ۱۳۸۴: ۱۲).

#### ۵-۲- توسعه پایدار و متوازن کردن اهداف

به نظر می رسد که جهان در شماری از روندهای نزولی گیر افتاده است که به جای رو به جلو رفتن، در حال دور شدن از پایداری هستند. ریشه های این نزول بسیارند، اما می توانند در دو گروه وسیع دسته بندی شوند: "شکست های بازار"، جایی که مبادلات اقتصادی در به شمار آوردن هزینه های اجتماعی یا محیطی شکست می خورند و "شکست های خط مشی"، جایی که دولت ها، تنزل مرتبه محیطی را نادانسته تشویق می کنند، مثل تخصیص یارانه به مصرف آب و انرژی. پس موضوع این نیست که آیا دولت ها باید برای هدایت توسعه به سوی پایداری دخالت کنند یا نه، بلکه موضوع چگونگی دخالت است.

توسعه پایدار می خواهد این روند نزولی را وارونه کند. یک همراهی روبه رشد در این مورد وجود دارد که توسعه پایدار یعنی دستیابی به یک کیفیت زندگی که بتواند برای نسل های بسیار نگهداری شود زیرا این امر:

- از نظر اجتماعی مطلوب است، نیازهای مادی، فرهنگی و روحی مردم را به روش های منصفانه تامین می کند.
- از نظر اقتصادی انجام پذیر است و به طور کارآمد هزینه می کند، نه بیشتر از درآمد.
- از نظر بوم شناختی پایدار و نگهدار زیست پذیری بلند مدت اکوسیستم های پشتیبانی کننده است.

توسعه پایدار یکپارچه سازی این سه هدف را در جایی که انجام آن ممکن است و مذاکره برای توازن میان اهداف در جایی که یکپارچه سازی ممکن نیست را تامین می کند. هیچ نقشه دقیقی برای توسعه پایدار وجود ندارد و باید به گونه ای تعریف شود که نیازها و شرایط ویژه کشورها، جوامع و فرهنگ های منفرد، را در نظر گرفته و برآورده کند.

به طور سنتی، جوامع برای دستیابی به اهداف اجتماعی و اقتصادی و محیطی کوشش کرده اند، اما اغلب به صورت مجزا و بدون ارتباط با سایر اهداف که نتیجه آن، پیدایش "جزایر سبز" بی دوام در دریایی از ناپایداری شده است. تصمیم سازان اکنون آگاه شده اند که اهداف محیطی فقط می توانند با یکپارچه سازی و تبدیل آنها به جریان غالب سیاستگذاری اقتصادی و اجتماعی بدست آیند (دلال، ۲۰۰۰: ۴).



### ۳- توسعه پایدار و برنامه ریزی شهری

#### ۳-۱- انگاشت برنامه ریزی

ارائه تعریف بدون ابهام از انگاشت برنامه ریزی احتمالا غیر ممکن می باشد. به نظر می رسد هر نویسنده که در مورد برنامه ریزی می نویسد تعریف خاص خود را دارد. با این وجود، برخی ویژگی های مشترک در میان بسیاری از این نویسندگان وجود دارد. در وهله اول، برنامه ریزی با آینده سرو کار دارد. به عبارت دیگر، برنامه ریزی یک سیاست برای رسیدن به وضعیت مورد نظر است. دوم، برنامه ریزی عبارت است از تحقق اهداف قابل دستیابی و چشم اندازها در این آینده مشخص. بنابراین، هر آینده ای مد نظر نمی باشد، بلکه آینده ای در ارتباط با انتظارات بسیار خاص است. سوم، برنامه ریزی دارای پایه مستحکم در شناخت علمی است. در نتیجه، قوانین برنامه ریزی از استفاده صرف از شهود، باور، شانس یا اقبال مبرا است. چهارم، برنامه ریزی بر پایه تصمیم گیری های عاقلانه است. به طور سنتی این امر به عنوان عقلانیت فنی درک می شده است، اما ممکن است انواع دیگری از منطق برای فرایند برنامه ریزی وجود داشته باشد. در نهایت، برنامه ریزی شامل یک فرایند تصمیم گیری است. این تصمیم به معنای یک ابزار هدایت و مدیریت برای اعمال فردی متوالی مربوط به برنامه است. همان گونه که برای برنامه ریزی اجتماعی، این تصمیم به فرآیندهای سیاسی در حال انجام در جامعه مرتبط می شود.

فالودی تعریفی از برنامه ریزی ارائه کرده که به میزان قابل توجهی تمام ویژگی های فوق را تحت پوشش قرار می دهد. "برنامه ریزی استفاده از روش های علمی در تدوین سیاست است" در کتاب دیگری او تعریف خود را تصدیق و توجیه کرده است: "برنامه ریزی به عنوان یک فرایند عقلانی اندیشه و عمل است که در نهایت هدفش (همانگونه که هدف علم می باشد) ارتقا رشد انسان است" (ارلاینگ هولدن، ۱۹۹۸: ۲۲۹). همان گونه که در بالا اشاره شد، برنامه ریزی در ارتباط با تحقق بخشیدن به اهداف و چشم انداز های واقعی در آینده است. یکی از این اهداف، توسعه پایدار می باشد (همان، ص ۲۳۴).

#### ۳-۲- اهمیت هدف پایداری در برنامه ریزی

اهمیت هدف پایداری در برنامه ریزی را در سه زمینه بیان کرده اند:

نخست- انگاشت پایداری که بر " سرمایه محیطی " متمرکز است، در مقیاس های فضایی مختلف دارای معنای متفاوتی است و می تواند به گونه ای تفسیر شود که مناسب جغرافیا و ویژگی سیستم برنامه ریزی شود. بنابراین اندوخته سرمایه محیطی و ظرفیت های محیطی نه فقط در سطوح فراملی و ملی، بلکه در سطوح منطقه ای، استانی، شهری و حتی روستایی نیز مفهوم می یابد.

دوم- چنین تفسیرهایی از پایداری، چارچوبی همساز و به هم پیوسته را برای نگه داشت محیطی و جبران خسارت محیطی فراهم می کند.

سوم- توصیف و تشریح " سرمایه محیطی " و نگهداشت آن در آینده نیاز به " برنامه ریزی " دارد و این وسیله ای برای توانمندسازی است (عبدی دانشپور، ۱۳۸۷: ۴۲۳).

### ۳-۳-۳- عناصر رهیافت برنامه ریزی پایدار

مشخصه های خاصی که برنامه ریزی پایدار را از سایر حرفه ها متفاوت می سازد، مواردی است که در زیر عنوان شده است. برنامه ریزی پایدار مردم را به درک مشکلات از طریق راههای متفاوتی نسبت به گذشته تشویق می کند<sup>۵</sup> فراهم کردن نوع متفاوتی از فضای گفت و شنودی " (استفن ام. ویلر، ۲۰۰۴: ۳۴).

#### ۳-۳-۱- چشم انداز بلند مدت

چشم انداز بلندمدت به معنای توجه کردن به تغییرات کوچک و اندک افزا در حال و دیدن اینکه چگونه آنها می توانند یکدیگر را، برای ایجاد اجتماع پایدارتر در آینده تقویت کنند. این چشم انداز باید ۵۰،۱۰۰ یا ۲۰۰ سال از حالا باشد (همان، ۲۰۰۴: ۳۴).

#### ۳-۳-۲- دورنمای کلیت باور

دومین مشخصه اصلی از برنامه ریزی پایدار، دورنمایی کلیت باور است که ارتباطات بین چیزها را می بیند. در عمل این به دو معنا در برنامه ریزی می باشد:

- نخست- دورنمای کلیت باور ابزار متصل کننده تخصص های مختلف برنامه ریزی همچون، برنامه ریزی برای مسکن، حمل و نقل، کاربری زمین و کیفیت محیطی و همچنین اهداف کلان یکپارچه برنامه ریزی همچون محیط، اقتصاد و برابری است.
- دوم- یک چشم انداز کلیت باور ابزار متصل کننده مقیاس های مختلف برنامه ریزی است، یعنی پژوهش برای راه هایی که برنامه ریزی در مقیاس های فراملی، ملی، منطقه ای، محلی، همسایگی و سایت می توانند یکدیگر را تقویت کنند.

در اوایل قرن بیست بسیاری از نظریه ها و کاربری های برنامه ریزی با چنین دید وسیع و کلیت باوری مطابقت می کردند (همان، ۲۰۰۴: ۳۸-۳۶).

#### ۳-۳-۳- پذیرش محدودیت ها

برداشت "محدودیت های رشد"<sup>۵</sup> به مدت طولانی در هسته مرکزی مناظرات مربوط به توسعه پایدار بوده است. در جوامعی که بخش بزرگی از آن بر اعتقاد به "پیشرفت" به عنوان رشد کمی در تولید و مصرف پایه گرفته است، این انگاشت انقلابی واقعی است. عرصه های به کار بردن این موضوع برای برنامه ریزی فراوان است. اولین و شاید بنیادی ترین آن چالش برنامه ریزی برای توسعه اقتصادی است که به جای رشد کمی مداوم در مصرف و کاربرد مواد، اصلاحات کیفی در بشر و شرایط محیطی ایجاد کند. این کار نیازمند در اولویت قرار دادن شکل هایی از فعالیت اقتصادی است که کالاها و خدماتی که مردم واقعاً به آنها نیاز دارند را تولید کند، مانند مسکن قابل استطاعت، آموزش، مراقبت پزشکی و مشابه اینها.

<sup>5</sup> Limits to growth

زندگی درون محدودیت ها، همچنین برای برنامه ریزی کاربری زمین نیز به کار میرود، در جایی که این برنامه ریزی، شکل شهر فشرده و جلوگیری از پراکندگی را تشویق می کند (همان، ۲۰۰۴: ۳۹-۳۸).

#### ۴-۳-۳- حس مکان

تمرکز بر "مکان"، یک اصل کلیدی بسیاری از مدافعان شهر پایدار همچون حرکات اخیر دیگر مانند نوشهرسازی<sup>۶</sup> بوده است. حس مکان بویژه اکنون حقی ضروری است، زیرا توسعه های بسیاری از درون و بیرون، در قرن اخیر به صورت کاملاً متضاد انجام شده است - خلق یک نفضایی، نواحی همگن جهانی، اجتماعات قابل تعویض با ارتباط کمی به منظرهای محلی، اکوسیستم ها، تاریخ، فرهنگ و یا اجتماع. این فرایند توسط جهانی شدن اقتصاد آسان شده است، که تمایل به تولید کردن محصولات استاندارد شده و محیط های شهری عمومی با ارتباطات کمتری به فرهنگ ها یا شیوه های زندگی گذشته دارد. بسیاری عناصر دیگر توسعه شهری کنونی به کاهش وابستگی به مکان تمایل دارند. مسکن به طور فزاینده ای توسط شرکت های خانه سازی بزرگ مقیاس با حجم سنگین تولید می شود، که اغلب یک تولید عام بدون هیچ ارتباطی با مناظر محلی، آب و هوا، تاریخ یا فرهنگ است.

واکنش برضد برنامه ریزی نفضایی<sup>۷</sup> در دهه های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ شروع شده است. در سال ۱۹۷۹ محققین برنامه ریزی جان فریدمن و ویور عقایدشان را بیان کردند که موج آینده برنامه ریزی منطقه ای بر قلمرو به عنوان نقطه مقابلی برای "کارکرد" تاکید خواهد کرد.

در ارتباط نزدیک با "حس مکان"<sup>۸</sup> انگاشت "اجتماعات قابل زندگی"<sup>۹</sup> است، که در طول دهه های اخیر بحث های زیادی در مورد آن شده است، زیرا تشخیص جمعی این است که بسیاری از اجتماعات ما با این معیار به درستی برخورد نکرده اند. آنها اغلب مراکز همسایگی، مرکز تجاری شهر، پارکها، فروشگاههای محلی و حتی پیاده راه ندارند. اینها و بسیاری فاکتورهای دیگر سکونت پذیری شهرها و کلانشهرها را به طور مداوم کاهش دادند.

وقتی که ما در محیط هایی که اغلب از نظر اکولوژیکی، اجتماعی و فرهنگی بسیار صدمه دیده اند، زندگی می کنیم، بسیاری از تلاش های توسعه پایدار باید در راستای سالم سازی این محیط ها باشد. این رهیافت ممکن است به معنای کمک در به حال اول برگرداندن اکوسیستم شهری باشد و یا ممکن است به معنای جستجوی راهی برای جبران نابرابری یا پاسخ به تبعیض نژادی و محرومیت که منجر به بینوایی همسایگی های خاصی شده است یا می تواند به دنبال اخذ مزیت هزارن فرصت موجود برای ساختن آینده ای بهتر در مکان های خاص باشد (همان، ۲۰۰۴: ۴۰-۳۹).

<sup>6</sup> New Urbanism

<sup>7</sup> Aspatial planning

<sup>8</sup> Sense of place

<sup>9</sup> Livable communities

### ۳-۳-۵- مشارکت فعال در حل مشکلات

عنصر کلیدی نهایی چشم انداز برنامه ریزی پایدار، نقش حرفه ها، سیاستمداران و شهروندان عادی، لزوم مشارکت فعال تر و ساختاری تر همه این گروهها در حل مشکلات است. (همان، ۲۰۰۴: ۴۱).

### ۳-۴-۳- موضوعات مرکزی برنامه ریزی پایدار

در بخش ذیل عرصه های کلیدی در برنامه ریزی پایدار به طور خلاصه مطرح می شوند:

#### ۳-۴-۱- مدیریت رشد و برنامه ریزی کاربرد زمین

رشد مناطق شهری منجر به بروز مشکلات ثانویه مربوط به کاربرد وسایل نقلیه موتوری، آلودگی، تراکم، کیفیت زندگی و جدایی گروهها از یکدیگر از نظر درآمد و نژاد می گردد. بنابراین لازم است که به منظور جلوگیری از مشکلات، این رشد تحت مدیریت قرار بگیرد. در نتیجه "شهر فشرده" هدف بسیاری برنامه ریزان برای دهه های متوالی بوده است. شهرهای فشرده یک مدل مختلف رادیکال از شهرنشینی قرن بیستم را ارائه می کنند. برای اجرای این رهیافت، توسعه های جدید باید به سمت زمین های خالی موجود در داخل عرصه های شهری هدایت شوند، ساختمان های موجود کوچک یا تخریب شوند و یا گسترش یابند و جز آن در مقابل این توسعه درون زا، توسعه در زمین های سبز است که در زمین های کشاورزی حاشیه شهرها اتفاق می افتد. چارچوب های برنامه ریزی کاربرد زمین ملی، ناحیه ای و یا منطقه ای، می توانند در کمک به مدیریت رشد دولت های محلی بسیار مفید باشند.

برنامه ریزی کاربرد زمین پایدار با این پرسش شروع می شود، "در هر مکان ویژه، چه چیزی مناسب تر است که انجام شود؟" پاسخ این سوال ممکن است "هیچ چیز" باشد. بنابراین برای برنامه ریزی پایدار کاربرد زمین باید مناسب قطعاً برای ایجاد هر کاربرد زمین در نظر گرفته شوند. (استفن ام. ویلر، ۲۰۰۴: ۶۸-۶۶).

#### ۳-۴-۲- طراحی شهری

طراحی مناسب شهرها یک چالش برای برنامه ریزی پایدار است که تنها شامل طراحی فضاهای عمومی، خیابان ها، همسایگی ها و خانه ها نمی شود، بلکه پیکربندی پارک و سیستم های سبز راه، الگوهای رشد منطقه، شبکه های حمل و نقل، سیستم های آب و فاضلاب، و حتی فرایندهای صنعتی را در بر میگیرد (همان، ۶۹).

#### ۳-۴-۳- مسکن

مسکن توسط بسیاری به عنوان حق پایه برای بشر دیده شده است. در سطوح مختلف دولت می تواند در ایجاد زمینه برای مسکن بهتر نقش بازی کند (همان: ۷۱-۷۰).

#### ۳-۴-۴- حمل و نقل

در راستای دستیابی به حمل و نقل پایدار تغییراتی باید در رهیافت سنتی آن صورت بگیرد. هیچ یک از این راهبردها به تنهایی مشکل وابستگی به اتومبیل را حل نمی کنند اما با کمک یکدیگر آنها می توانند چالش برنامه ریزی پایدار را در دراز مدت حل کنند. (جدول شماره ۲).

## ۳-۴-۵- ساختمان و معماری سبز

ساخت و ساز و معماری ساختمان ها ممکن است به عنوان موضوعی مناسب در نظر برنامه ریزان دیده نشود، چرا که آنها معمولا با عملکرد مقیاس بزرگتر همسایگی ها، شهرها و مناطق درگیرند. همکاری میان برنامه ریزان، معماران و طراحان منظر در توسعه آینده زمینه طراحی اکولوژیکی ضروری خواهد بود، به ویژه در تشکیل یک زمینه بزرگتری از مقررات، راهنماها و مشوق هایی که بتواند به تشکیل ساختمان های سبزتر کمک کند (همان: ۷۹-۸۰).

## ۳-۴-۶- جمعیت

یکی از اساسی ترین چالشها، برای توسعه پایدار رشد جمعیت است. بیان جدی موضوع جمعیت به معنای تمرکز در موضوعاتی چون برنامه ریزی خانوار، مهاجرت، فقر و وضعیت زنان است. برخی از این موضوعات می توانند در سطوح بسیاری توسط دولت از طریق خدمات سلامت عمومی، رشته های آموزشی و برنامه هایی به منظور بهبود فرصت های اقتصادی و آموزشی موجود برای زنان اندازه گرفته شوند (همان، ۸۳).

جدول شماره ۳: تغییر رهیافت ها در جهت برنامه ریزی حمل و نقل پایدار (همان، ۷۶).

رهیافت سنتی	رهیافت پایداری مبنا
دیدگاه مهندسی	دیدگاه کلیت باورتر
ترافیک سو	مردم سو
تمرکز بر حرکات بزرگ مقیاس، اغلب مخالف سفرهای محلی	نگرانی برای حرکات محلی، دسترسی کوچک مقیاس
اتومبیل در اولویت	پیاده ها، دوچرخه در اولویت
خیابان به عنوان شریان ترافیک	خیابان به عنوان فضای عمومی با کاربردهای چند منظوره
معیارهای اقتصادی برای تصمیم گیری	معیارهای اجتماعی و محیطی نیز همچنین
افزایش ظرفیت جاده ها برای هدایت کردن تقاضا	پروگرام های مدیریت تقاضای حمل و نقل برای کاهش تقاضا
توجه به هزینه و منفعت کاربر جاده	توجه به دیگر هزینه ها و منفعت ها همچنین
تمرکز بر تسهیل جریان ترافیک	آرام سازی ترافیک در مکان های لازم
جدا سازی پیاده ها و وسایل نقلیه	یکپارچگی فضاهای پیاده و سواره در مکان های مناسب از طریق طراحی دقیق

#### ۴- معیارهای برنامه ریزی فضایی پایدار

موضوع اصلی برنامه ریزی فضایی-کاربرد زمین و توسعه ساختمان ها و زیرساخت ها-شماری از تاثیرات مستقیم و غیر مستقیم محیطی را سبب می شود که با اولویت هایی که دارد، آشکارا با اهداف توسعه پایدار، در تضاد است.

در مقیاسی کلی و عمومی، نیاز به توسعه پایدار کاربرد زمین، موجودی ساختمان و زیر ساخت فنی ممکن است اینگونه فرمول بندی شود: برای اینکه توسعه کاربرد زمین، الگوهای ساخت زمین و زیرساخت ها در یک عرصه، ویژگی پایداری را داشته باشد، باید تضمین شود که سکنه این عرصه، می توانند نیازهای حیاتی خود را به روشی برآورده کنند که بتواند در آینده پایدار باشد و با توسعه پایدار در سطحی جهانی در کشمکش نباشد. البته ممکن است که چنین هدف کلی به روش های مختلف بسیاری، عملیاتی شود. به هر روی، در بیشتر ادبیات توسعه شهری پایدار و برنامه ریزی فضایی در کشورهای صنعتی ثروتمند، پنج عنصر اصلی زیر مورد تاکید است:

(۱) کاهش سرانه مصرف و نشر انرژی در عرصه(شهر،شهرداری یا منطقه) به یک سطح سازگار با معیارهای بوم شناختی و پخشایشی برای توسعه پایدار در سطحی جهانی.

(۲) کمینه کردن تبدیل و دست اندازی به عرصه های طبیعی، اکوسیستم ها و منابع خاک برای تولید غذا.

(۳) کمینه کردن مصرف مواد ساختمانی مضر از نظر محیطی.

(۴) جایگزینی جریان های باز، که در آنها منابع طبیعی به زباله تبدیل می شوند با چرخه های بسته که به میزان بیشتری به منابع محلی وابسته هستند.

(۵) یک محیط خوب برای ساکنان شهر، بدون آلودگی و آسیب صوتی به سلامت ساکنان و با عرصه های سبز کافی برای فرصت دادن به جمعیت برای تجربه و برقراری ارتباط احساسی با طبیعت(نس، ۲۰۰۰:۳).

به طور کلی دو بحث اصلی و متضاد در مورد شکل پایدار شهرها، شامل حمایت از شکل تراکم و فشرده و دیگری شکل گسترده و کم تراکم شهری وجود دارد.

مدافعیین شکل گسترده شهرها که "شهرسبز" از جمله آنهاست، از تمرکز زدایی شغل و مسکن به علت کاستن از تعداد سفرها و از چگونگی کمک کاربرد زمین به خودکفایی محلی بیشتر در تولید محصولات کشاورزی حمایت می کنند. همچنین تراکم زیاد را با بهره های تفریحی از عرصه های سبز نزدیک نواحی مسکونی در تضاد می دانند. از انتقادات وارد بر این دیدگاه این است که سفرهای مبتنی بر اتومبیل و نیز سوخت مصرفی برای گرم کردن خانه ها افزایش می یابد. هم چنین گسترش فضایی شهرها باعث تبدیل عرصه های کشاورزی و طبیعی می شود.

از طرف دیگر فرم تراکم و فشرده شهری به فواصل کوتاه تر میان کارکردها می انجامد و استفاده از وسایل حمل و نقل غیر موتوری را تسهیل می کند و به کاهش مصرف و نشر انرژی می انجامد. همچنین انواع متمرکز مسکن نیاز کمتری به مصرف انرژی برای تامین گرما دارد. همچنین با استفاده کمتر از عرصه های طبیعی، از تنوع

زیستی محافظت می شود. سرزندگی، روحیه فعالیت شهری و تعاملات اجتماعی به عنوان دیگر مشخصات شهرهای فشرده ذکر شده اند. به هر روی تحقیقات بسیاری نشان می دهد که دیدگاه مدافع شهر فشرده و مترکم به اهداف توسعه پایدار نزدیکتر است.

#### ۱-۴- توسعه پایدار در عمل

وظیفه اصلی در جهت رسیدن به توسعه پایدار برای سال های پیش رو باید پرکردن خلاء میان نظریه و عمل باشد.

گرچه کسی نمی تواند ادعا کند که برای دستیابی زودهنگام به پایداری یا توسعه پایدار خصوصا در جوامع پیشرفته صنعتی، شانس وجود دارد، برخی خط مشی های عملی برای توسعه پایدار که تا حدی در نقاط گوناگون جهان در حال اجرا هستند بدین شرح می باشند:

- مالیات های بوم شناختی، که بار مالیات را از چیزهای خوب مثل اشتغال، به چیزهای بد مانند آلودگی و استفاده بی رویه از منابع منتقل می کنند.
- حذف یارانه های انرژی و امور کشاورزی که ممکن است با تشویق به استفاده بیشتر از انرژی و کود و آب آبیاری به محیط زیست آسیب وارد کنند.
- طرح های تجارت تبدلی محلی برای توانمند کردن مردم برای تصمیم گیری در مورد واحد پول محلی خود و مبادله مهارت هایشان. در برنامه های پولی، پول می تواند مثلا به صورت ساعت های صرف شده در فعالیتی خیریه باشد یعنی مثلا خرید برای سالمندان گزینه ای از پول باشد.
- مسکن قابل استطاعت که بودجه آن از ابتکارات مالی جامعه مانند بانک های توسعه، اصناف و واحدهای اعتباری تامین می شود.
- اهمیت بازیافت و انرژی تجدید پذیر در برخی نواحی صنعتی رو به افزایش است. بوم شناسی نشان می دهد که سیستم های صنعتی چگونه می توانند الگوهای بسته چرخه سیستم های طبیعی را با استفاده دوباره از مواد و تولید پسماند کمینه ایجاد کنند.
- حمل و نقل کارآمد که حمل و نقل موتوری پرمصرف را با قطارهای تندرو، حمل و نقل عمومی و استفاده بیشتر از دوچرخه و پیاده روی جایگزین می کند، رو به سوی توسعه دارد. با توسعه های مختلط کاربرد زمین می توان به جای تاکید بر میزان تحرک، بر دسترسی تاکید نمود.
- طرح های کشاورزی پشتیبانی شونده توسط اجتماع و بازارهای کشاورزی، در حال کسب محبوبیت روز افزون هستند (آگین و اونس، ۲۰۰۳: ۶).

#### ۵- برنامه ریزان شهری برای ارتقای توسعه پایدار چه کاری می توانند انجام دهند؟

برنامه ریزان می توانند به ارتقای توسعه پایدار کمک کنند. این امر می تواند با توسعه و مرتبط کردن دانش درباره آنچه که پایدار است و درباره راه حل های دوستدار محیط و نیز می تواند با تشویق به فرایندهای برنامه ریزی که مناظره بیشتری درباره ارزشها و بهره هایی که از اجرای آن ارزشها ایجاد می شود، انجام شود.

نخست، برنامه ریزان مسئولیتی برای اشاره به پیامدهای محتمل راه حل‌های پیشنهادی گوناگون دارند، گرچه تحلیل همه انواع پیامدهای برنامه‌های پیشنهادی ممکن نیست، گزینه‌ها باید در برابر مهمترین اهداف کلان ارزشگذاری شوند. مثلاً اگر برنامه ریزی باید به حفظ انرژی و حمایت از تنوع زیستی کمک کند، آنگاه ضروری است که پیامدهای انرژی و تنوع زیستی گزینه‌ها ارزیابی شوند.

چنین اطلاعاتی افزون بر جمعیت به طور عام، باید به سیاستمداران هم داده شود. برنامه ریزان می‌توانند از دانش حرفه‌ای خود برای فرمول بندی گزینه‌های برنامه که در بالاترین حد ممکن با توسعه پایدار سازگار باشند استفاده کنند و تلاش کنند مناظره‌هایی درباره این گزینه‌ها در میان سیاستمداران، بخش‌های مختلف مدیریتی و میان شهروندان آغاز کنند. (فلاویوس برگ<sup>۱۰</sup>، به نقل از نس، ۲۰۰۰:۱۵).

موضوعات اصلی برنامه می‌تواند در عرصه‌های گوناگونی مورد بحث قرار گیرد (مثلاً در نشست‌های محلی، مطبوعات، نشست‌های دربرگیرنده بخش‌های مختلف مدیریت شهری، نشست‌های میان مراجع شهری و مراجع سطح بالاتر، شوراهای مشورتی متشکل از نمایندگان ذینفعان مختلف، کمیته‌های سیاسی برنامه ریزی و شورای شهر). این بحث‌ها به واضح شدن موضوعات کمک خواهند کرد.

در همه عرصه‌های مناظره ذکر شده در بالا، نصیحت جان فارستر<sup>۱۱</sup> (۱۹۸۰) به برنامه ریزان در مورد چگونگی خنثی کردن "ارتباط ناهنجار" باید در نظر گرفته شود. برای خنثی کردن "ارتباط ناهنجار" نیاز است که برنامه ریزان از روش خود برای ارتباط آگاه باشند. افزون بر این، برنامه ریزان مسئولیت تصحیح و خنثی کردن دستکاری و ارتباط نادرست انجام شده توسط دیگر شرکت کنندگان در فرایند برنامه ریزی را دارند. به ویژه چالشی برای برنامه ریزان در جلوگیری از تلاش‌های قدرتمندترین و پرنفوذترین بازیگران برای تسلط بر دیگر شرکت کنندگان وجود دارد. بدون تلاش‌های جدی از طرف برنامه ریزان برای دربرگرفتن قدرتمندان و توانمندسازی ضعیفان، فرایندهای برنامه ریزی مشارکتی خطر "قدرت بیشتر برای قدرتمند" را ایجاد می‌کنند (ناستدل‌سلید<sup>۱۲</sup>، به نقل از نس، ۲۰۰۰:۱۶).

به منظور آنکه توسعه پایدار زمین، ساختمان و زیرساخت، اساساً ممکن باشد، تغییر در اولویت‌های ارزشی مردم مورد نیاز می‌باشد. به هر روی اگر بیشتر مردم ارزش‌های طبیعی و محیطی را قوی‌تر از آنچه که امروزه انجام می‌شود در اولویت قرار ندهند، دولت یا شورای شهری که برای پیاده‌سازی توسعه پایدار شهری تلاش می‌کند، به سرعت مشروعیت خود را از دست خواهد داد. در چشم انداز پایداری، فرایندهای برنامه ریزی که بتوانند به آگاهی و مسئولیت‌پذیری محیطی بیشتر کمک کنند، بسیار مطلوب هستند (نس، ۲۰۰۰:۱۶).

<sup>10</sup> -Flyvbjerg

<sup>11</sup> -John Forester

<sup>12</sup> -Naustdalslid



## ۶- نتیجه گیری

نابرابری های اقتصادی، بی ثباتی اجتماعی و تنزل مرتبه محیطی، پیامدهای دیدگاه سرمایه داری می باشند که هدف در حداکثرسازی استفاده از منابع برای رسیدن به مقصودهای اقتصادی خود دارد. این دیدگاه از اوایل دهه ۱۹۷۰ مورد تردید و انتقاد قرار گرفت. کنفرانس سال ۱۹۹۲ به نام محیط زیست و توسعه در ریودوژانیرو و کار بعدی کمیته سازمان ملل به نام محیط زیست و توسعه موجب گسترش انگاشت توسعه پایدار در جهان به منظور مقابله با زیاده رویی های دنیای سرمایه داری شد. ساده ترین تعریف توسعه پایدار چنین است: توسعه ای که نیازهای نسل کنونی را بدون ایجاد اشکال در توانایی نسل های آینده برای دستیابی به نیازهای خود تأمین می کند. توسعه پایدار در برنامه ریزی، فرایندی است که اهداف اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی جامعه را در هر جا که ممکن است از طریق وضع سیاست ها، انجام اقدام های لازم و عملیات حمایتی با هم تلفیق می کند و در هر جایی که تلفیق امکان ندارد به ایجاد رابطه مبادله بین آنها، بررسی و هماهنگی این مبادله ها می پردازد.

در بیشتر ادبیات توسعه شهری پایدار و برنامه ریزی فضایی در کشورهای صنعتی ثروتمند، پنج عنصر اصلی زیر مورد تاکید است: کاهش سرانه مصرف و نشر انرژی در عرصه شهر، کمینه کردن تبدیل و دست اندازی به عرصه های طبیعی، کمینه کردن مصرف مواد ساختمانی مضر از نظر محیطی، جایگزینی جریان های باز با چرخه های بسته و یک محیط خوب برای ساکنان شهر.

به طور کلی دو بحث اصلی و متضاد در مورد شکل پایدار شهرها، شامل حمایت از شکل متراکم و فشرده و دیگری شکل گسترده و کم تراکم شهری وجود دارد، اما تحقیقات در سطح جهانی نشان می دهد که دیدگاه مدافع شهر فشرده و متراکم به اهداف توسعه پایدار نزدیکتر است.

امروزه برنامه ریزان می توانند به ارتقای توسعه پایدار کمک کنند. این امر می تواند با توسعه و مرتبط کردن دانش درباره آنچه که پایدار است و درباره راه حل های دوستدار محیط انجام پذیرد، همچنین برنامه ریزان باید به پیامدهای محتمل راه حل های پیشنهادی گوناگون اشاره کنند، گرچه تحلیل همه انواع پیامدهای برنامه های پیشنهادی ممکن نیست، گزینه ها باید در برابر مهمترین اهداف کلان ارزشگذاری شوند. در چشم انداز پایداری، فرایندهای برنامه ریزی که بتوانند به آگاهی و مسئولیت پذیری محیطی بیشتر کمک کنند، بسیار مطلوب هستند.

منابع:

- زاهدی، شمس السادات و نجفی، غ (۱۳۸۵)، بسط مفهومی توسعه پایدار، فصلنامه مدرس علوم انسانی، ۱۰، ۴.
- عبدی دانشپور، ز (۱۳۸۷)، درآمدی بر نظریه های برنامه ریزی با تاکید ویژه بر برنامه ریزی شهری، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.

- **Agyeman, Julian and Evans, T** (2003), Toward Just Sustainability in Urban Communities: Building Equity Rights with Sustainable Solutions, The ANNALS of the American Academy of Political and Social Science, 590.
- **Dalal-Calayton, Barry** (2000), What is sustainable development ?.
- **Hutchison, Ray** (2010), Encyclopedia of urban studies, SAGE Publications, California.
- **Naess, P** (2000), Urban planning and sustainable development, European planning studies, 9, 4.
- Stephen M. Wheeler**(2004), Planning For Sustainability, Creating Livable , Equitable And Ecological Communities.

# SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری STES



فیلم های آموزشی

## کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی

توجه: بررسی مقاله ای متون (مقدماتی)

کارگاه آنلاین  
بررسی مقابله ای متون (مقدماتی)

PROPOSAL  
پروپوزال

توجه: پروپوزال نویسی و پایان نامه نویسی

کارگاه آنلاین  
پروپوزال نویسی و پایان نامه نویسی

ISI  
Scopus

توجه: آشنایی با پایگاه های اطلاعات علمی بین المللی و ترند های جستجو

کارگاه آنلاین آشنایی با پایگاه های اطلاعات علمی بین المللی و ترند های جستجو